

درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی الوضوءات المستحبة

موضوع جزئی: اتیان غایات متعددة، با وضوی واحد

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

تاریخ: ۷ آذر ۱۳۹۶

مصادف با: ۹ ربیع الأول ۱۴۳۹

جلسه: ۲۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در این بود که اگر شخص به قصد انجام غایت مستحب، وضو بگیرد، آیا او می تواند با چنین وضویی غایت واجب را نیز انجام بدهد؟

عرض شد که عده ای گفته اند که چنین وضویی باطل است و نمی توان با این وضو امر واجب را اتیان کرد زیرا ترتب دو غایت وجوب و مستحب بر وضویی که به قصد غایت مستحب، گرفته شده است، صحیح نیست چون اجتماع وجوب و استحباب در یک چیز امکان ندارد زیرا وجوب و مستحب دو امر متضادند لذا اجتماع این دو ممکن نیست چون وجوب، چیزی است که فعل آن لازم است و ترک آن جایز نیست، اما مستحب، چیزی است که فعل آن رجحان دارد و ترک آن نیز جایز است. چیزی که ترک آن جایز نیست و فعل آن لازم است [واجب] و چیزی که ترک آن جایز است و فعل آن الزام آور نیست [مستحب] دو امر متضادند که با هم جمع نمی شوند.

توضیح، اینکه اگر وضویی که به قصد انجام مستحب گرفته شده است، مقدمه برای واجب قرار داده شود، در این صورت، وضویی که مقدمه برای غایت واجب قرار گرفته است، متصف به وجوب می شود چون وقتی ذی المقدمه واجب باشد، مقدمه [وضو] نیز واجب می شود زیرا بین مقدمه و ذی المقدمه ملازمه وجود دارد و وقتی که این وضو جنبه وجوب پیدا کرد، نمی تواند متصف به وصف استحباب نیز باشد چون وجوب و استحباب متضادند و با هم جمع نمی شوند [الضدان، امران وجودیان لایجمعان و قد یرتفعان]. بنابراین، نمی توان با وضویی که به قصد انجام عمل مستحب، گرفته شده است، عمل واجب را انجام داد چون اگر شخص بخواهد با آن وضو، عمل واجب را انجام بدهد، آن وضو [از باب مقدمه واجب] به وصف وجوب متصف خواهد شد و چون از ابتدا به قصد انجام مستحب وضو گرفته است، انجام واجب با چنین وضویی ممکن نیست و آن وضو باطل خواهد شد زیرا «ما قُصِدَ لَمْ یَقَعْ و ما وقع لم یُقَصَد».

برای رفع مشکل اجتماع متضادان در رابطه با غایت مستحب و واجب؛ هنگامی که شخص به نیت مستحب وضو می گیرد و با آن وضو امر واجب را انجام می دهد، راه حل هایی ارائه شده است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

راه حل اول: راه حل آیت الله خویی (ره)

آیت الله خویی (ره) فرموده است که در صورتی با وضویی که به قصد انجام مستحب، گرفته شده است، نمی توان امر واجب را انجام داد که نظر بر وجوب شرعی مقدمه باشد، ولی اگر نظر بر وجوب عقلی مقدمه باشد مشکل مذکور [اجتماع متضادان و «ما قصد لم یقع و ما وقع لم یُقَصَد»] پیش نخواهد آمد و جمع بین وجوب عقلی مقدمه و استحباب مشکلی ندارد. در رابطه با وجوب

مقدمه، دو دیدگاه وجود دارد؛ اول، اینکه همان‌طور که ذی‌المقدمه شرعاً واجب است، مقدمه نیز شرعاً واجب است و دوم، اینکه مقدمه، وجوب شرعی ندارد، بلکه وجوب عقلی دارد که در این صورت مشکل اجتماع متضادان پیش نخواهد آمد.

راه حل دوم: راه حل شیخ انصاری (ره)

شیخ انصاری (ره) فرموده است که اشکال اجتماع متضادان در صورتی است که نظر بر وجوب مطلق مقدمه [، اعم از مقدمه موصله و مقدمه غیر موصله] باشد و نظر بر وجوب مقدمه موصله نباشد، ولی اگر نظر بر وجوب مقدمه موصله باشد، اشکالی ندارد که شخص با وضویی که به قصد انجام غایت مستحب، گرفته است غایت واجب را نیز انجام بدهد چون وضویی را که شخص گرفته است از باب وجوب مطلق مقدمه نبوده است، بلکه وضو، مقدمه برای توصل به ذی‌المقدمه [که امری وجوبی است]، انجام شده است. بنابراین، اگر وضو، مقدمه برای واجب باشد، متّصف به وجوب می‌شود، ولی اگر وضو، مقدمه برای واجب نباشد، متّصف به وجوب نمی‌شود.

راه حل سوم: راه حل صاحب عروه (ره)

مرحوم سید (ره) فرموده است که مانحن‌فیه تحت کبرای اجتماع امر و نهی در شیء واحد، مندرج است. یکی از راه‌های جواز اجتماع امر و نهی در شیء واحد این است که اگر جهات مختلف باشند، اجتماع امر و نهی اشکال ندارد؛ مثل نماز خواندن در خانه غصبی که عده‌ای گفتند که چون متعلق امر و نهی با هم متفاوتند زیرا متعلق امر، نماز است و متعلق نهی، غصب است لذا جمع این دو [امر و نهی] با نماز خواندن در خانه غصبی، اشکالی ندارد زیرا مکلف به اعتبار اینکه امر به صلاة به او متوجه شده است، نماز می‌خواند و به اعتبار اینکه نهی از غصب به او متوجه شده است، تصرف در خانه غصبی به منظور نماز خواندن، معصیت است لذا گناه کرده است و مؤاخذه خواهد شد.

مرحوم سید (ره) فرموده است که در مانحن‌فیه [انجام غایت واجب با وضویی که به قصد انجام غایت مستحب، گرفته شده] نیز؛ چون جهات، مختلفند، اجتماع مستحب و واجب مشکلی ندارد؛ به این نحو که از باب اینکه وضو، مستحب است، حالت استحباب دارد و از باب اینکه مقدمه برای واجب است، حالت وجوب دارد، پس استحباب وضو از باب مقدمیت برای امر مستحب و وجوب وضو از باب مقدمیت برای امر واجب می‌باشد لذا همان‌گونه که اجتماع امر و نهی در «امر به صلاة در دار غصبی»، مشکلی نداشت در مانحن‌فیه نیز اجتماع مستحب و واجب در وضوی واحد مشکلی ندارد چون جهات با هم فرق می‌کنند.

اشکال به کلام مرحوم سید (ره)

بر فرض که اجتماع امر و نهی در جایی که جهات آن دو متفاوت باشند، پذیرفته شود، لکن اشکال این است که اجتماع امر و نهی در جایی مورد قبول است که ترکیب، ترکیب انضمامی و حیثیت، حیثیت تقییدی است، ولی در مانحن‌فیه [اجتماع غایت مستحب و واجب] ترکیب، ترکیب انضمامی نیست و دو شیء [، مثل نماز و خانه غصبی] وجود ندارند که به هم منضم شده باشند، بلکه یک چیز بیشتر نیست، همچنین [، مثل نماز در دار غصبی که نماز به دار غصبی، مقید شده است]، حیثیت تقییدی ندارند، بلکه در مانحن‌فیه، وضو، شیء واحد است که برای مستحب و واجب، مقدمیت دارد. بنابراین، دو حکم مستحب و واجب بر شیء واحد [، یعنی وضو] وارد شده‌اند، یعنی وضوی واحد هم به وصف مستحب و هم به وصف وجوب متّصف شده است؛ در حالی که در بحث اجتماع امر و نهی در «نماز در دار غصبی»، امر و نهی به شیء واحد تعلق نگرفته بودند، بلکه امر به نماز و نهی به دار غصبی، تعلق گرفته بود. همان‌طور که وقتی مولی می‌گوید: «اکرم عالماً» و بعد می‌گوید: «لا تکرّم الفسّاق»، امکان ندارد که امر [به اکرام]

و نهی [از اکرام] بر عنوان واحد [زید واحد] منطبق شوند و اجتماع امر و نهی در این مورد جایز نیست چون امر و نهی به یک عنوان تعلق گرفته است بر خلاف امر به نماز در دار غصبی که امر به یک عنوان و نهی به عنوان دیگری تعلق گرفته است.

راه حل چهارم

اشکال اجتماع متضادان در رابطه با غایت مستحب و واجب در صورتی وارد است که حد استحباب در نظر گرفته شود و ذات استحباب در نظر گرفته نشود، به این معنی که استحباب عبارت از رجحان فعل با ترخیص در ترک آن، باشد که در این صورت، استحباب با وجوب سازگاری ندارد چون وجوب به معنای الزام فعل و نهی از ترک است لذا با استحباب به معنای رجحان فعل با ترخیص در ترک، سازگار نیست، اما اگر گفته شود که منظور از استحباب، حد نیست که ترخیص در ترک فعل نیز در آن لحاظ شود، بلکه منظور از استحباب، صرف راجح بودن امر است، یعنی وقتی که شخص برای قرائت قرآن وضو می گیرد، از باب اینکه ترخیص در ترک دارد وضو نمی گیرد، بلکه از باب اینکه قرائت قرآن با وضو رجحان دارد، وضو می گیرد و چون این رجحانیت در وجوب نیز وجود دارد، استحباب در وجوب مندرک می شود و چون استحباب در وجوب مندرک می شود دو چیز نیستند که گفته شود که متضادند و قابل جمع نیستند، پس با توجه به اینکه قدر جامع بین وجوب و استحباب، رجحانیت فعل است، استحباب در وجوب مندرک می شود، در نتیجه، شخص یک چیز را بیشتر انجام نداده است و آن همان وضویی است که فعل آن رجحان دارد که با استحباب و وجوب قابل جمع است.

راه حل پنجم: راه حل آیت الله سید عبدالأعلی سبزواری (ره)

آیت الله سید عبدالأعلی سبزواری (ره) فرموده است که سیره متشرعه حاکی از این است انجام واجب با وضویی که به نیت مستحب گرفته شده است، مشکلی ندارد. بنابراین، مرتکز بین متشرعه این است که وضوی مستحبی مکفی از انجام امر واجب است.^۱

«الحمد لله رب العالمین»

۱. سید عبدالأعلی، سبزواری، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۲۹۱.